

سیمای تبلیغی مشترک پیامبران اولوالعزم در قرآن

سمیه محمدی

دانش آموخته سطح سه، جامعه الزهراء (سلام الله علیها) قم

چکیده

سؤال از چیستی تبلیغ در اسلام، موضوعی است که هم از حیث تاریخی و هم از حیث علمی، دارای اهمیت زیادی است؛ چرا که درک اصول، ویژگی‌ها و ابزار تبلیغ اسلامی می‌تواند راه‌گشای ما در عصر حاضر باشد. اما تبلیغ، فقط عنصری نیست که خاص این زمان باشد، بلکه از ازل این امر مهم وجود داشته است و رسالت اصلی پیامبران در این امر قرار داده شده است که تبلیغ دین کنند، ولی در مورد پیامبران اولوالعزم: این وظیفه سنگین‌تر بوده است؛ زیرا این بزرگواران، طلایه‌داران و سردمداران امر خطیر تبلیغ بودند که به هر کدام کتاب یا شریعت جدیدی داده شده بود، لذا می‌طلبید که با استفاده از روش‌های جدید، تبلیغ خود را آغاز کنند و مسیر تبلیغ را تا حد زیادی برای پیامبران و مبلغین پس از خود باز نمایند. این پژوهش که با هدف بررسی سیمای تبلیغی مشترک پیامبران اولوالعزم: در قرآن به روش مروری - تحلیلی انجام گرفته است، در صدد بیان راه‌کارهای تبلیغی مشترک میان پیامبران اولوالعزم: است؛ شیوه‌هایی که مخصوص زمان یا مکان خاص نیستند؛ بلکه تحت هر شرایطی توجه و عمل به آن‌ها بر هر مبلغی لازم و ضروری است. پیامبران اولوالعزم: با اتخاذ یک سیره‌ی منسجم و منظم و در عین حال، روش‌های تبلیغی متفاوت بود که توانستند ایده‌های ناب و زلال الهی را به گوش تمامی مردم برسانند و از این طریق، اولین گام‌ها را در اجرای رسالت خطیر خود بردارند، تا برای ما که امروزه در عصر ارتباطات زندگی می‌کنیم، درک ماهیت این حرکت، ضروری‌تر نشان دهد. از مهم‌ترین شیوه‌های تبلیغی مشترک این بزرگواران می‌توان به خوردن روزی حلال و انجام عمل صالح، توصیه به صبر و استقامت، اقامه‌ی دین و عدم تفرقه و نفاق در آن و... اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی: سیره (روش)، اسوه، تبلیغ، پیامبران اولوالعزم.

۱- مقدمه

(الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا) (احزاب/۳۹)؛ این سنت خداست در حق آنان که تبلیغ رسالت خدا به خلق می کنند و از خدا می ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی ترسند و خدا برای حساب و مراقبت کار خلق، به تنهایی کفایت می کند.

در قرآن مجید، برای زمینه‌ها و عرصه‌های گوناگون، مطالب پرباری مطرح شده است؛ یکی از این زمینه‌ها، «عرصه تبلیغ دین» است که قرآن مجید به شدت و صراحت، روی آن تکیه می کند و راه‌های اجرا و عملی ساختن این زمینه را بیان می کند، چنان که می فرماید:

(وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) (توبه/۱۲۲)؛ شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی کند (وظایف‌های درمیدینه بماند) تا در دین (ومعارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند!

تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم، از اصلی‌ترین و مهم‌ترین برنامه‌ها و وظایف پیامبران الهی بوده است و رسالت رسولان الهی، هدایت انسان‌ها از ظلمت و نادانی به سوی روشنائی بوده است.

هم‌چنین با دقت در روایات و مطالعه‌ی تاریخ زندگی انسان‌ها، روشن می‌شود که اولین مبلغ، خدای سبحان است که انبیاء و ملائک را آموزش داده و آن‌ها را در زمان‌های مختلف یاری فرموده است.

چنان که گفتیم امر خطیر تبلیغ، از مهم‌ترین برنامه‌های پیامبران الهی بوده است، اما در این بین، پیامبران اولوالعزم، وظیفه‌ی سنگین‌تری را برعهده داشته‌اند؛ زیرا هر کدام، صاحب کتاب یا شریعت جدیدی بوده‌اند که با آوردن شریعت جدید، روش‌های پیامبران پیشین ترک می‌شده و به شریعت جدید، پرداخته می‌شده که لازم بوده برای بیان شریعت جدید، تبلیغ دین را به شیوه‌های جدید شروع کنند و در این راه، از سیره‌های مختلف، بهره‌مند شوند.

پس با توجه به این که امر تبلیغ، وظیفه‌ای خطیر، حساس و همگانی و به خصوص برعهده‌ی طلاب علوم دینی است؛ لازم است با راه‌کارها و سیره‌ی پیامبران اولوالعزم: به‌عنوان طلایه‌داران امر تبلیغ، آشنا شده تا در این راه به لطف الهی به نتیجه‌ی مطلوب نائل شویم.

در ادامه به بررسی سیمای تبلیغی مشترک میان پیامبران اولوالعزم پرداخته می‌شود:

الف) خوردن روزی حلال و انجام عمل صالح

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ أَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) (مؤمنون/۵۱)؛ ای رسولان ما! از غذاهای پاکیزه‌ی حلال تناول کنید و به نیکوکاری و اعمال صالح بپردازید که من به هر چه می‌کنید، آگاهم.

آیه‌ی شریفه خطابی است به عموم پیامبران، به این که از طیبات بخورند و گویا مراد از خوردن از طعام‌های پاکیزه، ارتزاق و تصرف در آن‌هاست؛ حال چه با خوردن باشد و چه با هر نوع تصرف دیگر (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۴۷).

سیاق آیات شهادت می‌دهند به اینکه جمله‌ی «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ» در مقام منت نهادن بر انبیاء است، بنابراین جمله‌ی بعد هم که می‌فرماید: «وَ أَعْمَلُوا صَالِحًا» در این مقام است که بفرماید: در مقابل این منت و شکرگزاری از آن، عمل صالح انجام دهند، و سپس با جمله‌ی «إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» آن را تعلیل نمود، تا تحذیری باشد بر آن‌ها از مخالفت امر، و تحریکی باشد بر این که ملازم تقوی باشند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۴۷).

در این آیه، همه‌ی پیامبران (و در رأس آن‌ها، پیامبران اولوالعزم) نسبت به انجام دو عمل مورد خطاب قرار گرفته‌اند و به دنبال آن همه‌ی امت‌ها نیز باید چنین کنند: خوردن غذاهای پاکیزه و روزی‌های حلال، و انجام عمل صالح (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۵۵)، زیرا خوردن غذای حرام جلوی استجاب دعای انسان را می‌گیرد، چنان که نقل شده، مردی در خدمت پیامبر

اکرم: عرض کرد: دوست دارم دعایم مستجاب شود! فرمودند: «طَهَّرْ مَا كَلَّتْكَ وَلَا تَدْخُلْ بَطْنِكَ الْحَرَامَ» (خُرَعَامَلِي، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۶۷) (غذای خود را پاکیزه کن و از هرگونه غذای حرام بپرهیز).
 در این آیه از سه جهت برای انجام عمل صالح کمک گرفته شده است: از جهت تأثیرگذاری پاک بر صفای قلب، از جهت تحریک حس شکرگزاری در برابر نعمت‌های پاکیزه‌ای که نصیبمان می‌شود و از جهت توجه دادن به این که خدا شاهد و ناظر اعمال آدمی است (مکارم شیرازی، همان، ص ۲۵۶).
 و چنان که می‌دانیم، انسان اگر اهل عمل صالح باشد، بهتر می‌تواند دعوت کننده‌ی به دین باشد؛ زیرا همین دعوت عملی مؤثرتر از دعوت زبانی است و اگر کسی به گفته‌هایش مقید نباشد، نمی‌تواند بر دیگران تأثیر بگذارد (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲)، همان-طوره که امام صادق ۷ فرمودند: «كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّتِ كَمُجَلْسِي، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۳۰۹؛ دعوت کننده‌ی مردم به غیر زبانه‌ی هایتان باشید.»

ب) توصیه به صبر و استقامت

(فَاصْبِرْ كَمَا صَبَّرَ أَوْلَا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا يُوْعَدُونَ لَمْ يُلْبِتُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلْ أَغْفَا هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ (احقاف/۳۵)؛ ای رسول ما! توهم مانند پیامبران اولوالعزم (در تبلیغ دین خدا و تحمّل اذیت امت) صبور باش و بر امت به عذاب تعجیل مکن، تا روزی که به آن چه وعده داده شده به چشم ببینند، آن روز پندارنده که به جز ساعتی از روز درنگ نداشتند! این قرآن تبلیغ رسالت است، پس آیا جز مردم فاسق، هیچ کس هلاک خواهد شد؟!)

این آیه تفریع و نتیجه‌گیری از حقانیت معاد است که هم حجت عقلی بر آن دلالت دارد، و هم خدای سبحان از آن خبر داده، و شک و تردید را از آن نفی کرده است و معنایش این است که: «تو در برابر انکار این کفار صبر کن، و از این که به معاد ایمان نمی‌آورند، حوصله به خرج بده، همان طور که رسولان اولوالعزم: چنین کردند و در طلب عذاب برای آنان عجله مکن که به زودی آن روز را با عذاب‌هایی که دارد دیدار خواهند کرد، چون روز قیامت چندان دور نیست، هر چند که اینان آن را دور می‌پندارند.» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۳۱)

بنابراین مسأله‌ی بسیار مهمی که در این آیه به انجام آن بسیار سفارش شده، مسأله‌ی «صبر و استقامت» در امر تبلیغ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۷۷)؛ هر چند این آیه خطاب به پیامبر اکرم ۶ است، اما چون آیات قرآن از باب «إِيَّاكَ أَعْنِي وَأَسْمِعِي يَا جَارَةَ» هستند، مخاطب آن همه‌ی مردم هستند (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۲۲)؛ بنابراین در امر تبلیغ دین، همواره سختی‌هایی وجود دارد که باید در هر شرایطی در برابر آن‌ها استقامت داشت! لذا آیه می‌فرماید: ای پیامبر! تنها تونستی که با مخالفت و عداوت این قوم مواجه شده‌ای، همه‌ی پیامبران اولوالعزم با این مشکلات روبرو بودند و مقاومت کردند (ر.ک: مکارم شیرازی، همان).

ج) اقامه‌ی دین و عدم تفرقه و نفاق در آن

(شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ... (شوری/۱۳)؛ خدا شرع و آئینی که برای شما مسلمین قرارداد، حقایق و احکامی است که نوح ۷ را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی می‌کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی: هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید...)

این کریمه این حقیقت را روشن می‌کند که دعوت اسلام به توحید، دعوت تازه‌ای نیست، بلکه دعوت تمامی پیامبران اولوالعزم بوده است و تعبیر «مِنَ الدِّينِ» نشان می‌دهد که هماهنگی شرایع آسمانی، تنها در مسأله‌ی توحید و یا اصول عقاید نیست، بلکه مجموعه‌ی دین الهی از نظراساس و ریشه در همه جا یکی است. اما در دنباله‌ی آیه به دو امر مهم توصیه می‌کند: ۱. برپا داشتن آئین الهی در همه‌ی زمینه‌ها (نه تنها عمل کردن، بلکه اقامه و احیای آن)، ۲. پرهیز از بلای بزرگ؛ یعنی:

تفرقه و نفاق در دین، که همه باید به این دو عمل کنند (مکارم شیرازی، همان، ج ۲۰، صص ۳۷۸-۳۷۷). بنابراین آیه‌ی شریفه می‌فرماید: آن چه را که به پیامبران گذشته سفارش کرده‌ایم آن است که دین را برپا دارید و طبق آن عمل کنید و عمل کردن به آن را ادامه دهید و مردم را به سوی آن فراخوانید و درباره‌ی آن تفرقه نداشته و متحد بوده و بندگان خدا و برادر یکدیگر باشید (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۲، ص ۱۰۸). مراد از اقامه‌ی دین، عمل به آن و حفظ و دعوت به سوی آن است و منظور از تفرق در «لَا تَتَفَرَّقُوا»، ظاهر آن است که به بعضی ایمان بیاوریم و به بعضی ایمان نیاوریم؛ مانند یهود و نصاری (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۴۶۷)!

د) کوتاهی نکردن در ادای مسئولیت تبلیغ و رسالت و رهبری

(وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُ مُؤْمِنًا وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا) (احزاب/۷)؛ یاد آر! آن گاه که ما از پیامبران عهد و میثاق گرفتیم و هم از تو و پیش از تو؛ از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی؛ از همه پیمان محکم گرفتیم.)

در این آیه‌ی شریفه نخست تمامی پیامبران را در مسأله‌ی میثاق مطرح می‌کند، سپس از پنج پیامبر اولوالعزم نام می‌برد که به طور مؤکدتری در برابر این پیمان متعهد بوده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، صص ۲۱۲-۲۱۱). اما این که این، چه پیمان مؤکدی است، سخنان گوناگونی وجود دارد، که همه‌ی آن‌ها شاخه‌های مختلف یک اصل کلی است و آن «ادا کردن مسئولیت تبلیغ و رسالت و رهبری و هدایت مردم در تمام زمینه‌ها و ابعاد» است؛ آری! آن‌ها موظف بودند همه‌ی انسان‌ها را به توحید دعوت کنند و یکدیگر را تأیید نمایند (ر.ک: همان). بنابراین دعوت همه باید به یک سو باشد و همگی یک حقیقت را تبلیغ کنند و امت‌ها را زیر پرچم واحدی گرد آورند (ر.ک: همان)، و این وظیفه از مبلغین دین در هیچ عرصه‌ای ساقط نمی‌شود و همه باید به این وظیفه‌ی خطیر عمل کنند و هدف نهایی خود را دعوت به توحید قرار دهند.

۲- نتیجه گیری

هر یک از پیامبران، با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاصی که داشتند از راه‌های مختلف برای امر تبلیغ دین استفاده می‌کردند، تابوتوانند به بهترین نحو در دلها نفوذ کرده؛ ایمان را در قلوب مردم جای دهند. پیامبران اولوالعزم؛ نیز، نه تنها از این امر مستثنا نبودند، بلکه‌ی وظیفه‌ی خطیر و سنگین تری داشتند.

اما در این میان، برخی از روش‌های تبلیغی این پیامبران عظیم الشان؛ ویژه‌ی خود آنان و مربوط به موقعیت خاص زمانی و مکانی آن‌ها بوده است، که با توجه به شرایطی که در آن قرار می‌گرفتند، روش خاصی را اتخاذ می‌نمودند. اما با گریزیاندک در آیات شریفه‌ی کتاب حکیم درمی‌یابیم که در زمینه‌ی تبلیغ دین، آیاتی وجود دارد که به طور یکسان بر همه‌ی انبیاء و به خصوص پیامبران اولوالعزم نازل شده است و در زمان کنونی، در همه‌ی شرایط برای همه‌ی مبلغان دینی کارساز است! و پژوهش حاضر به بررسی این شیوه‌ی تبلیغی و آیات مرتبط با آن پرداخته است.

بنابراین با توجه به آن چه در این پژوهش گذشت، بحث، پیرامون شیوه‌های تبلیغی مشترک میان پیامبران اولوالعزم؛ به عنوان سردمداران امر تبلیغ، در عرصه‌ی هستی بود، تا از طریق آشنایی با شیوه‌های تبلیغی آنان، راه کارهای تبلیغی عصر خود را بشناسیم و عمل کنیم؛ روش‌ها و اسلوب‌هایی که خاص زمان و مکان ایشان نبوده و همه‌ی پیامبران و به دنبال آنان، همه‌ی رهبران و مدیران و مبلغان دینی در هر سطحی و هر زمانی و مکانی، موظف به انجام آن روش‌ها و وظایفند و در هر عصری و تحت هر شرایطی، انجام آن وظایف از عهده‌ی آن‌ها ساقط نمی‌شود و اگر این وظایف را ترک کرده و یا به درستی انجام ندهند، به طور حتم، از امر تبلیغ دین، باز خواهند ماند.

البته این وظایف که عبارتند از: خوردن روزی حلال و انجام عمل صالح، صبر و استقامت، اقامه‌ی دین و عدم تفرقه و نفاق در آن و کوتاهی نکردن در ادای مسئولیت تبلیغ و رسالت و رهبری و ...، برای همه‌ی اعصار و قرون دیگر نیز هست و وظیفه‌ی هر مبلغی

است که در تبلیغ خود، از این امور بهره‌مند شود و آن‌ها را آویزه‌ی گوش خود نماید، تا به لطف الهی در امر تبلیغ دین موفق شود.

در پایان از خداوند متعال، مسئلت دارم که این توفیق را به همه‌ی مبلغان دینی در هر عرصه‌ای عطا نماید تا بتوانند از این سیره به احسن وجه استفاده نموده، تا تبلیغی پرثمر را در زمینه‌ی اعتلای «توحید کلمه» انجام دهند. ان شاء الله تعالی

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی (۱۳۸۹ش)، تهران: تابان.
۲. اکبری، محمود (۱۳۸۵ش)، اخلاق (درس نامه‌ی علم اخلاق برای طلاب پایه‌ی اول)، قم: دانش حوزه، چاپ سوم.
۳. خُرّعاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۶ش)، وسائل الشیعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴.
۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه‌ی تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، چاپ پنجم، ج ۱۵ و ۱۸.
۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، ترجمه‌ی مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضاستوده، تهران: فراهانی، چاپ اول، ج ۲۲.
۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ج ۹.
۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۶۷.
۸. معرفت، محمدهادی (۱۴۲۸ق)، تلخیص التمهید، قم: مؤسسه‌ی النشر الإسلامی، چاپ ششم، ج ۱.
۹. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ج ۱۴، ۱۷، ۲۰ و ۲۱.